

# جمهوری اسلامی، و توصیه های صندوق بین المللی پول!

توجه کرده و بر این اساس برنامه های خود را تنظیم می کنند. "مظاهری افزود: "همانطور که، جیمز ولفسون، رییس بانک جهانی نیز در سخنرانی خود در جلسه افتتاحیه سال جاری اجلاس مشترک "ص.ب.پ" و بانک جهانی اظهار کرد، هر فقیری در هر گوشه دنیا که باشد بر همه جا تاثیر خواهد گذاشت و به همین دلیل باید به کمک کشورهای فقیر و بدهکار شتافت" (حیات نو، چهارشنبه ۱۰ مهر).

ادامه در صفحات ۳ و ۴

❖ حزب توده ایران معتقد است که توصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ("ص.ب.پ") در تضاد با استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما و همه کشورهای در حال رشد است!

وزیر امور اقتصاد و دارایی رژیم، طهماسب مظاهری، که اخیراً در اجلاس مشترک صندوق بین المللی پول ("ص.ب.پ") و بانک جهانی در واشنگتن شرکت کرده بود، در مصاحبه یی با خبرنگاران گفت: "ما در جلسه مشترک بانک جهانی و "ص.ب.پ" تاکید کردیم که این دو سازمان بین المللی مالی در تصمیمات خود تنها به ارزیابی اقتصادی



شماره ۶۴۶، دوره هشتم  
سال نوزدهم، ۷ آبان ۱۳۸۱

**گزارشی از بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اسرائیل "به سوی یک صلح عادلانه و پایدار" در صفحه ۸**

## نامه آیت الله منتظری به نمایندگان مجلس درباره نظارت استصوابی

موضوع حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان که مانع اصلی در روند شرکت بهینه مردم در تعیین سرنوشت خودشان است، با اینکه از مدت ها پیش و از سالیان گذشته موضوع بحث و جدل نیروهای مردمی در مقابل سرکوب گران بوده است اخیراً و به دنبال لوایح جدید دولت برای تغییرات جزئی در آن که به مذاق مرتجعان خوش نیامده است، باز مورد توجه بیش از پیش قرار گرفته و حسب معمول با مخالفت های قابل پیش بینی از طرف نیروهایی که حیات سیاسی آنها بستگی به این ابزارها دارد، روبرو گردیده است. هفته گذشته آیت الله منتظری در نامه ای در رابطه با نظارت استصوابی و استطلاعی نامه یی را به نمایندگان مجلس نوشت که حاوی نکاتی است که مطمئناً در دسرهای جدیدی را برای مدافعان این نظارت به وجود خواهد آورد. آیت الله منتظری با اشاره به مباحثی که در این ارتباط در جریان است و با اشاره به اینکه خود وی در مجلس خبرگان حضور داشته و از انگیزه تصویب این اصل و مقدمات آن اطلاع کافی دارد، می گوید: "مقصود از نظارت، نه استصوابی بود که شورای نگهبان روی یکایک

ادامه در صفحه ۲

## ارتجاع حاکم، و "کندن گور اصلاحات"

واقعیت تن بدهند. "مهاجرى، مقاله نویس روزنامه کیهان با تشبیه کردن تلویحی خاتمی به بنی صدر و هیتلر نخست این یادآوری "تاریخی" را به طرفداران اصلاحات گوشزد می کند که: "بنی صدر- که در دفتر خود کلکسیونى از لیبرالها، افراطی ها، منافقین و عناصر لائیک را به همراه داشت- چهره مزور و ضدانقلابی خود را در زیر ماسک دموکراسی و آزادیخواهی پنهان کرده بود. او دائماً به رأی یازده میلیونى خود که در آن هنگام، بیش از ۷۰ درصد آراء را شامل می شد، فخر می کرد و به زعم خود می خواست مردمی را که به او رأی داده اند در برابر جریان اصولگرای انقلاب قرار دهد. او نمی دانست که بسیاری از رأی دهندگان به وی، بعد از آنکه ناکارآمدی رئیس جمهور را دیدند، از او دل کتندند. آنها هم که با وجود تمام شلختگی های بنی صدر، همچنان موافق او بودند، دست کم بر این نکته وقوف داشتند که دیگر از وی کارى ساخته نیست" و سپس در پاسخ به سخنان خاتمی در مجلس در زمینه بیزاری او از دیکتاتوری می نویسد: "این استدلال آقای خاتمی که "چون رئیس جمهور منتخب ملت است و از مردم رأی مستقیم می گیرد، دیکتاتور نمی شود" با برخی وقایع تاریخی نقض شده است. مگر هیتلر رأی گسترده مردم را نداشت و محبوبیت زاید الوصفش چشم جهانیان

ادامه در صفحه ۶

بحث بر سر ادامه روند اصلاحات و یا سرکوب کامل آن، در هفته های اخیر، و با توجه به تقدیم لایحه اختیارات رئیس جمهوری به مجلس ابعاد گسترده تر و روشن تری به خود گرفته است، که تأمل و بررسی آن ضروری است. روزنامه کیهان، از جمله ارگان های مطبوعاتی تاریخ اندیشان حاکم، در یادداشت روز خود (یکشنبه ۵ آبان ۱۳۸۱) با عنوان "حکایت يك گسست" ضمن هشدار باش درباره تحولات مهمی که قرار است در هفته ها و ماه های آینده، مشابه حوادث خرداد و تیر ماه ۱۳۶۰ به وقوع بپیوندد از جمله نوشت: "اینکه اخیراً، چهره های دوم خردادی، طوری حرف می زنند که از آن "به گل نشستن کشتی اصلاحات" استشمام می شود، امری خوشایند نیست. دوره اصلاحات، فرصتی بود که سوخت، دود شد و به هوای رفت. الآن، این فرایند، متأسفانه به میتی می ماند که جز دفن کردن، راهی برایش باقی نمانده. همانطور که فرزندان يك متوفی، نمی توانند مرگ پدر یا مادرشان را باور کنند و حیثاً خطاب به جسد متوفی هوار می کشند که "تو غرده ای" و به این وسیله احساسات اطرافیان را تحریک می کنند، کسانی که این روزها از حیات اصلاحات حرف می زنند، صرفاً عده ای احساساتی اند. آنها هم پس از فروکش کردن هیجانهای روحی شان، خواهند فهمید که باید به

**با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری**

**برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!**

## کسری بودجه و حراج شرکت های دولتی

بنا به گزارش روزنامه "حیات نو"، ۲ آبان، هیئت وزیران راهکارهای تامین ۱۰ هزار میلیارد ریال از کسری بودجه سال ۸۱ کل کشور را از محل واگذاری سهام شرکت های دولتی تعیین کرد. بر اساس این مصوبه وزارتخانه های جهاد کشاورزی و بازرگانی هر کدام مبلغ یکصد میلیارد ریال از محل واگذاری سهام شرکت های زیر مجموعه به بخش خصوصی را تامین خواهند کرد. همچنین از طریق واگذاری سهام شرکت های زیر مجموعه وزارتخانه های راه و ترابری شامل شرکت های زیر مجموعه مادر تخصصی توسعه راههای ایران مبلغ هزار میلیارد ریال و از محل واگذاری شرکت های زیر مجموعه سازمان خصوصی سازی یک هزار میلیارد دیگر توسط وزارت امور اقتصاد و دارایی تامین خواهد شد. بنا بر همین گزارش دیگر وزارتخانه ها هم با فروش و واگذاری شرکت های زیر مجموعه خویش به تامین کسری بودجه دولت کمک می کنند.

این گزارش در حالی منتشر می شود که چندی پیش مظاهری وزیر امور اقتصاد و دارایی در رابطه با واگذاری ها گفت: "پیش فروش اوراق قرضه و واگذاری شرکت های دولتی به منظور جبران کسری بودجه یک روش برای تامین درآمد است." (آفتاب یزد، ۲۸ مهر) وی با بیان اینکه شرکت ها به بنیادها و نهادها واگذار نمی شود و مگر در مواردی این واگذاری و فروش در بورس صورت می گیرد، گفت: "هر آنچه در بورس به فروش می رسد، مقررات بورس حاکم است و متقاضیان و مشتریانی که برای خرید سهام، اعلام داوطلبی می کنند به لحاظ شخصیت حقوقی خود تفکیک نمی شوند."

برنامه خصوصی سازی و اجرای آن از سالیان پیش به اجرا درآمده و همچنان با همان روش ها ادامه دارد، با توجهات بالا همچون تامین کسری بودجه ادامه یافته و در طول سالیان گذشته نتایج فلاکت بارش نصیب زحمتکشان میهنان گردیده است. فریبرز رئیس دانا کارشناس اقتصادی در یک گفتگو با ایسنا، ۳۰ مهر در رابطه با سیاست های اقتصادی می گوید: "محافظه کاران و اصلاح طلبان پشت هم ایستاده اند و می گویند پیش به سوی جهانی شدن! در حالی که هنوز تکلیف بسیاری از صنایع ما معلوم نیست، کسی نیست بگوید تکلیف صنایع، بیکاری و غیره چه می شود؟" وی در جایی دیگر می گوید: "مدتی است صحبت از خصوصی سازی می شود، این در حالی است که تاکنون هر چه به بخش خصوصی منتقل شده است به "خودی"ها و خانواده های خودی واگذار شده است و ما هیچگونه تحولی در صنعتان ندیده ایم. تنها توجیه کردن با نظریه پردازیها بوده و نوعی ریاکاری صورت گرفته است که معمولا این ریاکاری ایدئولوژیک مربوط به اقشار حاکم است." وی در بخش دیگری از صحبت هایش در رابطه با بازار بورس آن را نابود کننده اقتصاد ملی دانست و اظهار داشت: "اکنون بازار بورس در دست سرمایه گذاری دولتی و اقشار بالا دستی است و طبقات پایینی جامعه راهی به بازار بورس ندارند. متأسفانه اکنون وضعیتی بر بازار بورس حاکم است که هیچگونه انتقادی را تحمل ندارد و روابط موجود سبب می شود که اگر کوچکترین انتقادی از بازار بورس بشود، برخی روزنامه های اقتصادی اصلا آن را منعکس نکنند."

در سلسله بحث های جناحی گاه و بیگاه موارد مربوط به این مساله فرصت بروز و نشر در میان افکار عمومی را پیدا کرده است، اشاره به چنین سیاست های مخربی که تامین کننده منافع نیروهای وابسته به حاکمیت بوده است نیز کم نبوده است. در این رهگذر و به هر بهانه ای که این اقدامات انجام گرفته صدمات جبران ناپذیر آن را کارگران و کارکنانی پرداخته اند که بعد از چنین واگذاری هایی به انواع و اقسام بهانه ها از کار بیکار می شوند و یا مجبور هستند با شرایط جدید که امکان اخراج آنها را در هر زمان ممکن می کند به ادامه کار مشغول شوند.

## ادامه نامه آیت الله منتظری به نمایندگان . . .

کاندیدها نظر بدهد و صلاحیت او را تایید نماید و سپس در معرض آرای عمومی قرار دهد، و نه استطلاعی محض زیرا اطلاع فقط بدون اقدام عملی کار لغو و بیهوده ای است، بلکه چون در رژیم سابق، شاه و دولت او که مجری انتخابات بود در تعیین کاندیداهای مجلس دخالت می کردند، و در نتیجه انتخابات آزاد نبود و نمایندگان را بر ملت تحمیل می کردند، این موضوع در بین خبرگان مطرح شد که ممکن است در جمهوری اسلامی نیز مسئولین و متصدیان انتخابات - مانند رژیم سابق - در تعیین کاندیدها دخالت نمایند و آزادی را از مردم سلب نمایند. پس لازم است هیاتی بی طرف بر انتخابات نظارت کند تا مردمی بودن و آزاد بودن آن تامین گردد، و جلوی دخالت های ناروا و تقلب در انتخابات گرفته شود، و لذا در اصل مذکور تعبیر شده است به "نظارت بر انتخابات" نه نظارت بر کاندیدها و شناخت آنان، و بالاخره امر نظارت بر عهده شورای نگهبان قرار داده شد تا جلوی دخالت های ناروا و تقلب را بگیرد، البته برای کاندیدا شدن جهت نمایندگی مجلس شرایطی را مشخص می کند که احراز آنها بر عهده قوه مجریه می باشد، و هر چند بر حسب بند ۹ اصل ۱۱۰ تشخیص صلاحیت خصوصا داوطلب ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده، ولی این امر غیر از نظارت بر انتخابات است که در اصل ۹۹ ذکر شده است. در ادوار اولیه انتخابات، نظارت استصوابی مطرح نبود، ولی در دوره چهارم مجلس دخالت هایی شروع شد و در سال ۱۳۷۴ رسماً نظارت را به استصوابی تفسیر کردند و در قانون انتخابات قید نمودند. در صورتی که این تفسیر موجب سلب آزادی و تضییع حقوق مردم و بر خلاف انگیزه اصلی از تصویب این اصل بود. اینکه چند نفر هر چند صالح باشند خود را معیار اسلام و حق مطلق بیندارند و همه طبقات مردم و حتی علما و دانشمندان و نخبگان جامعه مجبور باشند درک و عقل و شناخت خود را کنار بگذارند و در شناخت کاندیداهای مختلف مقلد چند نفر باشند بر خلاف منطق عقلانی است زیرا این امر به معنای قیمومیت چند نفر بر همه طبقات مردم کشور و موجب اهانت صریح به آنان می باشد، که جامعه را ناراحت و مایوس، و نهاد شورای نگهبان را در حد یک گروه سیاسی خاص تنزل می دهد. مردم هر منطقه با وجود علما و نخبگانی در بین آنان معمولا کاندیداهای آن منطقه را از اعضای شورای نگهبان بهتر می شناسند، و هیچگاه اکثریت مردم یک منطقه، افراد بی دین و خائن و بی لیاقت را به عنوان نماینده خویش انتخاب نمی نمایند. "آیت الله منتظری در قسمت آخر نامه خویش خطاب به نمایندگان می نویسد: "بر حسب اصل ۶۷ هر یک از شما نمایندگان سوگند یاد کرده اید که: "امانت و تقوا را رعایت نمائیم، و همواره به استقلال و اعتدالی کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایند باشیم، از قانون اساسی دفاع کنیم، و در گفته ها و نوشته ها و اظهار نظرها استقلال کشور و آزادی مردم و تامین مصالح آنها را مد نظر داشته باشیم." امیدوارم نمایندگان محترم در انجام وظایف شرعی و قانونی و تامین حقوق موکلین خویش موفق باشند."

## نامه به روسای قوای سه گانه ، در اعتراض به حکم زندان مجدد برای یوسفی اشکوری

۱۳۴ نفر از افراد فرهنگی، سیاسی، ادبی و حقوقی، در اعتراض به صدور حکم زندان مجدد برای یوسفی اشکوری نامه ای خطاب به روسای قوای سه گانه نوشته اند. در بخشی از این نامه آمده است: " به استحضار می رساند آقای حسن یوسفی اشکوری، پس از تحمل دو سال زندان به اتهام نشر اکاذیب به خاطر برخی مقالات و نظراتش در باره قتل های زنجیره ای، روشنفکران و فعالان سیاسی در ایران و بعد از اینکه به مدت ۲۰ روز به صورت بلا تکلیف و تحت عنوان مرخصی از زندان آزاد شده بود، مجدداً به زندان بازگردانده شد و طی محاکمه ای غیر علنی مجدداً به چهار سال زندان و به خاطر شرکت در کنفرانس برلین به یک سال زندان، یعنی در مجموع پنج سال دیگر حبس علاوه بر دو سال زندانی که تاکنون متحمل شده بود، محکوم شد. اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. همچنین ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز تصریح کرده است: هر فرد حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار با تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

طبق ماده ۹ قانون مدنی ایران، اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر که به تایید جمهوری اسلامی نیز رسیده در حکم قانون است. "

امضاء کنندگان این نامه در ادامه ابراز عقیده کرده اند که، علیرغم تفاوت و تکثری که در حوزه فکری-سیاسی دارند، صدور حکم زندان برای یوسفی اشکوری که به صراحت و صرفاً به خاطر ابراز برخی عقاید خود محکوم شده است، خلاف آزادی عقیده و بیان و آن را مردود می دانند. آنها همچنین این حکم را خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی دانسته اند. در پایان اسامی افراد امضاء کننده این نامه نیز ذکر گردیده است.

### ادامه جمهوری اسلامی و توصیه های صندوق بین المللی . . .

بر خلاف سخنان مظاهری، که نمی تواند نا آگاهانه باشد، ما معتقدیم که سیاست وام دهی بانک جهانی و "ص.ب.پ" نه تنها بر اساس ارزیابی های اقتصادی بلکه بر اساس ملاحظات کاملاً حساب شده سیاسی و با هدف اعمال کنترل سرمایه بر جهت گیری های اجتماعی-سیاسی کشورها صورت می گیرد. اشاره هوگو چاوز، رئیس جمهوری ترقی خواه ونزوئلا، در نیمه دوم مهر ماه در رابطه با سیاست های فعال "ص.ب.پ" در حمایت از محافل کودتاچی تائیدی بر پایه های عینی این درک ما و اکثر نیروهای مردمی جهان در این رابطه است. حتی مدارک داخلی منتشر شده از طرف "ص.ب.پ" در مارس ۲۰۰۱ نشان می دهد که توصیه ها و نسخه های پیشنهادی این نهاد سرمایه داری برای بازسازی اقتصادی و تغییرات ساختاری اقتصاد کشورهای در حال رشد بیشتر متوجه تغییر جهتگیری سیاسی-ایدئولوژیک آنها بوده است تا بهبود ساختار اقتصادیشان.

بانک جهانی و "ص.ب.پ" به شرطی با پرداخت وام به کشورهای در حال رشد و یا تجدید آن موافقت می کنند که کشور وام گیرنده شرایط برنامه های ساختاری تطبیقی آنها را بپذیرند. این شرایط غیر دموکراتیک، کشورهای بدهکار را وادار می کند تا برای بازپرداخت وام های خود، ویا بهتر می توان گفت برای پرداخت بهره های وام خود، تغییرات ساختاری به نفع سرمایه جهانی و غالباً به ضرر سرمایه بومی و برنامه ریزی ملی را در سیستم اقتصادی خود ایجاد کنند. این تغییرات از جمله شامل موارد زیر می شود

- ❖ خصوصی سازی صنایع دولتی که منجر به کاهش خدمات عمومی، موج عظیم بیکاری و افزایش فقر می شود.
- ❖ شناور شدن ارز کشور و جهت دادن اقتصاد بومی به طرف صادرات ارزان قیمت مواد خام اولیه و قبول افزایش واردات کالاهای ضروری به قیمت های گران.
- ❖ افزایش بهره های بانکی، منجمد کردن سطح دستمزد کارگران و کارمندان بومی به بهانه جلوگیری از رشد تورم.

- ❖ حذف کنترل قیمت ها و در نتیجه افزایش سریع قیمت ارزاق و خدمات عمومی.
- ❖ حذف تعرفه های گمرکی و لغو هرگونه مالیات بر کالا های وارداتی با هدف تسلط سرمایه خارجی بر بازار بومی
- ❖ تغییرات منفی در سیاست های حمایت از تولیدات کشاورزی و در عوض اعطای اعتبارهای بی حد و حساب به سرمایه های خارجی برای در دست گرفتن کنترل کشاورزی و صنعت کشور های در حال رشد.

اعمال سیستماتیک این شرایط در نهایت سبب کاهش بودجه های خدمات عمومی، به ویژه در زمینه آموزش و پرورش، خدمات درمانی و بیمه های اجتماعی و حذف یارانه ها (سوبسید) برای مواد غذایی و سوخت در جهت حمایت از قشرهای زحمتکش و آسیب پذیر در جریان تغییرات ساختاری اقتصادی می شود.

بانک جهانی و "ص.ب.پ" با تحمیل شرایط خود فجایع فراوانی را در سراسر جهان بوجود آورده اند که به عنوان نمونه مشخص آن می توان به کشورهای افریقایی اشاره کرد که در سیستم نوین جهانی، سخت ترین آسیب ها را دیده اند. این فجایع زمانی به بار آمدند که این کشورها با قبول توصیه های "ص.ب.پ" قبول کردند اقتصاد های خود را با "اقتصاد جهانی" طراحی شده از سوی نهاد های نظم دهنده سرمایه داری جهانی، یعنی در عمل اقتصادی که مبنای آن صدور مواد خام از کشور و واردات مواد ساخته شده از خارج بود، پیوند دهند. نتیجه این عملکرد تخریب سیستم تولیدات صنعتی و کشاورزی و مواد غذایی بود به طوری که این کشورها حتی در مورد تامین نیازهای داخلی خود، دچار مشکل و بحران شدند.

در حال حاضر مجموع بدهی های خارجی آن دسته از کشورهای آفریقایی، که در جنوب

ادامه در صفحه ۴

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه جمهوری اسلامی و توصیه های صندوق بین المللی . . .

صحرای آفریقا قرار گرفته اند ، به غیر از آفریقای جنوبی ، بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار است که ۳ برابر مجموع درآمدهای صادراتی آنهاست . نیمی از مردم آفریقا در فقر به سر می برند و در آمد واقعی آنها در سطحی کمتر از سال ۱۹۷۰ قرار دارد . از ۴۴ فقیرترین کشورهای جهان که در لیست سازمان ملل هستند ، ۳۳ کشور آفریقای و وجود دارد . سهم هر نفر از مردم آفریقا از بدهی های خارجی برابر با ۳۶۵ دلار است ، در حالی که در آمد سرانه در این کشورها ۳۰۸ دلار است . بیش از ۴۰ درصد مرگ و میر کودکان جهان در کشورهای آفریقای روی می دهد .

این آن جامعه "آرمانی" است که سیاست مداران بانک جهانی و صندوق بین المللی قول آن را به مردم می دهند . سیاست های اقتصادی مورد توصیه این دو سازمان مخرب در کشورهای جهان سوم با هدف در دست گرفتن اختیار بنیان های اقتصادی این کشورها ، حاکم سازی کنترل سیاسی نهاد های اصلی سرمایه داری جهانی برشالوده های اصلی حیات اقتصادی - اجتماعی این کشورها تنظیم شده اند . مظاهری در بخش دیگری از سخنان خود اضافه کرد : "البته یکی از اهداف و وظایف هر دولتی افزایش ارزش پول ملی است . اما این مسئله باید با تدابیر اقتصادی لازم انجام شود . . . بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بر اساس دیدگاه های خود توصیه هایی به کشورها می کنند اما این وظیفه هر حکومتی است که بر اساس مصالح و منافع خود این توصیه ها را در نظر بگیرند (حیات نو ، چهارشنبه ۱۰ مهر ۸۱) .

تلاش برای افزایش ارزش پول ملی امری طبیعی و لذا قابل تایید است ، اما اینکه این مهم از چه راه و با چه تدابیر اقتصادی ای حاصل می شود ، امری تعیین کننده و اساسی است و طبیعتاً این تدابیر اقتصادی نمی توانند متکی بر توصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول باشند . توصیه هایی که ، بنا به تجربه کشورهای فراوان در آمریکای لاتین ، آفریقا و آسیا ، تنها فقر ، بدبختی و فلاکت را به همراه داشته اند . توصیه های این دو سازمان نه تنها بر ارزش واحد پولی کشورها نیافزوده است بلکه تجربه چند سال اخیر نشان داده است که تنها باعث "شناور شدن پول و کاهش فاجعه بار ارزش آن می شود .

از نمونه های بارز این روند در سال های اخیر ، شناور شدن پول ترکیه و پرو است . در ترکیه و پس از فشارهای صندوق بین المللی پول برای هرچه بیشتر خصوصی کردن صنایع و شرکت های دولتی و کاهش بودجه خدمات عمومی و درمانی ، ارزش پول این کشور طی یک شب ، بیش از ۳۳ درصد سقوط کرد که نتیجه آن کاهش قدرت خرید مردم ، ورشکستگی بسیاری از صنایع تولیدی کوچک و بیکاری صدها هزار نفر بود . در نتیجه سیاستمداران حاکم در ترکیه به بهانه جلوگیری از نارضایتی های مردم و رفع موقت بخشی از کسری بودجه خود ، دوباره دست به گرو دامان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول شدند و به قیمت به گرو گذاشتن استقلال اقتصادی - سیاسی کشور و افزودن مقدار فراوان دیگری بر بدهی های خود ، اوج بحران را برای مدتی به تعویق انداختند .

در آرژانتین هم نیز به رغم تلاش فراوان برای جلوگیری از "شناور شدن" پول کشور ، ارزش پول آن یک شبه کاهش یافت و سبب شد تا بحران اقتصادی بی سابقه ای سراسر کشور را فرا بگیرد . بطوریکه در عرض دو ماه شش رییس جمهور بر سر کار آمدند تا شاید بر این بحران

فائق شوند . اما بدهی های خارجی سرسام آور این کشور و دستورات بانک جهانی و صندوق بین المللی پول شانس هر تغییر مثبتی را از سیاستگذاران این کشور گرفته است . بر اثر این بحران بی سابقه و فلج کننده گروه کثیری از کارگران به انبوه عظیم بیکاران پیوسته اند و آرژانتین که در اوایل قرن بیستم ، پنجمین قدرت اقتصادی جهان محسوب می شد ، در خود فرا گرفته است . مظاهری به طور یقین از این حقایق فاجعه آمیز آگاهی دارد ، اما متاسفانه او نیز در عمل از زمره مداحان سیاست اقتصادی است که دولت های هاشمی رفسنجانی و پس از آن دولت خاتمی در پیش گرفته اند . سیاستی که در راستای توصیه های استقلال بر باد ده ص . ب . پ . برنامه ریزی شده است و سخنان مظاهری نیز مشخصاً توجیه گر و مشاطه گر چنین سیاست اقتصادی مخربی است . سیاستی که تاکنون نه تنها مشکلات مردم میهنمان را حل نکرده است بلکه روز به روز نیز بر عمق بحران های موجود افزوده است .

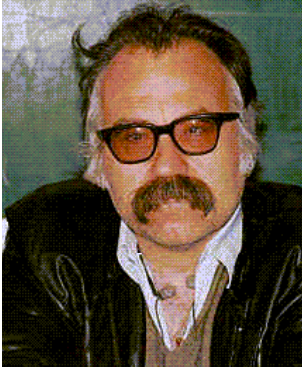
توصیه ها و نسخه های اقتصادی پیشنهادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در چهارچوب سیاست های "نئولیبرالیستی حاکم در جهان سرمایه داری تنظیم شده است و علاوه بر مواضع اقتصادی کشورها ، مواضع سیاسی آنها را نیز تحت کنترل خود می گیرد . این دو سازمان با تحت فشار قرار دادن کشورها از نظر اقتصادی و مشروط کردن وام و کمک های خارجی به قبول تغییر سیاست های ساختاری اقتصادی در جهت سرمایه داری ، نظرات سیاسی امپریالیست ها و شرکت های فراملی را نیز بر آنها تحمیل می کنند .

اوضاع وخیم اقتصادی کشورهای جهان سوم نمونه های بارز این سیاست هستند . در حال حاضر کشورهای جهان سوم تبدیل به مولدین سود برای سرمایه های امپریالیستی شده اند و بدین گونه بدهی های آنها عاملی برای تقویت سیستم اقتصادی "جهان در حال توسعه" شده است . سیاست های پیشنهادی ص . ب . پ . سلاحي اساسی در تقویت قوای آنهاست که در جهت سیاست "جهانی کردن می کوشند . سلاحي که امپریالیست ها نمی توانند به سادگی از آن چشم پوششند . در گردهمایی مشترک و مهمی که رهبران کشورهای آفریقای در فوریه ۲۰۰۱ در تانزانیا با سران بانک جهانی و صندوق بین المللی پول داشتند ، این دو سازمان تایید کردند که بدهی های کشورهای آفریقای به آنان هر چند که مردم آفریقا را به فقر و تنگدستی طولانی محکوم می کند ، لغو نخواهد شد .

این نیز ساده لوحانه و یا فریبکارانه خواهد بود ، اگر تصور شود که جمهوری اسلامی ایران موردی استثنایی است و تابع سیاست های اقتصادی و سیاسی این دو سازمان ویرانگر و غارتگر نخواهد شد و با شرایطی متفاوت با دیگران با این دو سازمان قرار داد خواهد بست . قرار داد با این دو سازمان به مفهوم قبول شرایط آنهاست . تجارب کشورهای آفریقای ، آسیایی و آمریکای لاتین درس بزرگی است که باید آنها را آویزه گوش کرد . برای درک نتایج فاجعه بار قبول توصیه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیازی به تجربه کردن مجدد آن از سوی مردم میهنمان نیست . ما هشدار می دهیم که قبول سیاست های این دو نهاد سرمایه داری جهانی در عرصه اجتماعی و اقتصادی کشور مان برابر با بحرانی عمیق تر ، خفکان بیشتر و گسترش بیکاری ، بی سامانی و فقر فزون تر خواهد بود . وظیفه نیروهای میهن دوست و ترقی خواه افشاگری در این عرصه و بسیج مبارزه زحمتکششان بر ضد چنین سیاست هایی است .

ادامه گزارشی از بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست . . .

## رفیق تناسیس پاریگا، متفکر انقلابی یونان درگذشت!



با کمال تأسف مطلع شدیم که، رفیق تناسیس پاریگا، کادر دانشمند حزب کمونیست یونان، عضو برجسته کمیسیون های روابط بین المللی و تاریخ حزب برادر، مدیر مسئول "ریزوسپاستیس"، روزنامه ارگان مرکزی حزب کمونیست یونان، و از کادر های برجسته رادیو و

تلویزیون حزب برادر در اثر يك سانحه اتومبیل، در روز ۱۹ مهرماه، درگذشته است. رفیق تناسیس از مسئولین برجسته مرکز مطالعات مارکسیستی یونان بود، اطلاعات وسیعی در اکثر عرصه های اجتماعی داشت و نویسنده یی پرکار بود. در اطلاعیه حزب کمونیست یونان به این مناسبت "مرگ رفیق تناسیس پاریگا، کادر حزب، ژورنالیست، تاریخ دان و نویسنده يك ضایعه جبران ناپذیر برای حزب کمونیست یونان، ریزوسپاستیس و روشنفکران انقلابی و مردمی" اعلام شد. رفیق تناسیس همسر رفیق آلکا پاریگا، دبیرکل حزب کمونیست یونان بود. رفیق تناسیس از جوانی در جنبش انقلابی شرکت فعال داشت و در دوره حکومت سرهنگان دستگیر، شکنجه و زندانی شد و دو دوره را نیز در تبعید گذراند. او از سال ۱۹۶۸ عضو فعال و مومن حزب کمونیست یونان بود.

با مرگ رفیق تناسیس، حزب برادر يك کادر مجرب و پرکار و حزب توده ایران یکی از وفادارترین دوستان بین المللی خود را از دست داد. از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی که در جریان اجلاس احزاب برادر منطقه خاورمیانه رفیق تناسیس در ارتباط با نمایندگان رهبری حزبمان قرار گرفت، او تاکنون هرساله و بطور مرتب در جلسات تبادل نظر در رابطه با مسایل منطقه و بخصوص تحولات میهن مان شرکت موثر داشت. رفیق تناسیس که به چندین زبان عمده تسلط کامل داشت با تکیه بر حافظه قوی، مطالعات بسیار وسیع خود و آشنایی با مسایل جهان معاصر قادر به ابراز نظر و ارائه طریق در مسایل پیچیده بین المللی بود.

در جریان آخرین ملاقات نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران با رفیق تناسیس در تیرماه جاری، او نقطه نظرات جامعی در رابطه با تحولات اخیر جهان پس از ۱۱ سپتامبر و خطرات ویژه ای که کشور های منطقه خلیج و بخصوص میهن ما ایران را تهدید می کند، مطرح کرد. رفیق تناسیس با توجه ویژه به ماهیت امپریالیسم و مشخصات جهانی شدن به دقت خاصی مسیر تحولات آتی در منطقه و جهان را پیش بینی و وظیفه نیروهای انقلابی جهان را مورد بررسی قرار داد. او که نقش کلیدی در اداره ارگان های تبلیغاتی حزب کمونیست یونان داشت با حساسیت فراوانی تحولات جنبش توسعه اصلاحات سیاسی در ایران را دنبال می کرد و در رابطه با لزوم تقویت نقش طبقه کارگر در آن نظریات دقیقی را ابراز می کرد. در پیامی که در روز ۲۱ مهرماه از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران به این مناسبت خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان منتشر شد، ضمن بزرگداشت خاطره رفیق تناسیس و زندگی پر بار او، مراتب تسلیت رفیقانه کمیته مرکزی، اعضاء و هواداران حزب توده ایران به رفیق آلکا پاریگا، دبیرکل حزب برادر، و اعضاء خانواده رفیق فقید، ابلاغ گردید.

یکسان، شناخته شود. هیچ راه حل نظامی برای این مقابله وجود ندارد و هیچ کشوری هرگز بر ویرانه های کشور دیگر شکوفائی نخواهد داشت. ما احساس می کنیم که صلح طلبان از سراسر جهان می توانند از طریق اتخاذ يك موضع مستحکم علیه اشغال و برای همبستگی با مردم فلسطین و طرفداران صلح در اسرائیل تاثیر مطلوبی روی منطقه ما داشته باشند.

ما از عدم موفقیت ها در چهارچوب تلاش برای پیاده کردن موافقتنامه اسلو، از رخ مردم فلسطین، و از تخریب اجتماعی در اسرائیل آگاه هستیم. همه اینها دلایل کافی برای رد کردن سیاست های دولت شارون در رابطه با قراردادهای دوره گذار است. همچنین باید به جهان اعلام خطر کرد که زیر فشار امریکا به مذاکرات صلح بدون حضور دولت خودگردان فلسطینی و رهبران آن عرفات گردن نهاد.

### طرح صلح حزب کمونیست اسرائیل

نظرات حزب کمونیست اسرائیل در رابطه با حصول صلح عادلانه و پایدار میان اسرائیل و مردم فلسطین بخشی اساسی از برنامه حزب را تشکیل می دهد.

۱- موافقتنامه های صلح بر اساس خروج تمام سربازان اسرائیلی از تمام مناطق که از زمان جنگ تجاوزگرانه در ژوئن ۱۹۶۷ به اشغال در آمده است، و محترم شمردن حق کشور اسرائیل، کشور فلسطین و تمام کشورهای عرب به حفظ حاکمیت ملی و توسعه در شرایط صلح و امنیت، قرار خواهد داشت.

۲- مردم عرب فلسطین برای اداره و خودگردانی مناطق کرانه غربی، نوار غزه و اورشلیم دارای حق مستقل خود هستند.

۳- تضمین يك راه حل عادلانه برای مشکل پناهندگان فلسطینی، در انطباق با قطعنامه های سازمان ملل (که حق آنها را برای بازگشت به موطن خودشان و یا دریافت غرامت به رسمیت می شناسد)، و در چهارچوب مذاکرات صلح اسرائیل - فلسطینی ها

۴- پیوست اورشلیم شرقی به اسرائیل، که بوسیله اسرائیل اشغال شده ملغی خواهد شد. اورشلیم شرقی بخشی از قلمرو کشور فلسطین مستقل خواهد بود. بر طبق تصمیم هر ملت در کشور خود، اورشلیم غربی به عنوان پایتخت کشور اسرائیل به رسمیت شناخته خواهد شد همانگونه که اورشلیم شرقی پایتخت کشور مستقل فلسطین شناخته خواهد شد. در چارچوب قرارداد صلح پایدار امکان حصول برنامه های توافقی در رابطه با کل شهر اورشلیم که همکاری بین دو قسمت شهر را تضمین کند، وجود دارد.

۵- موافقتنامه صلح بر چیدن تمام شهرک های یهودی نشین در مناطق اشغالی را ضروری می سازد.

۶- در چهارچوب قرارداد صلح با سوریه، بلندی های جولان به سوریه برگردانده خواهد شد.

۷- اسرائیل از تمام نقاط در چارچوب قلمرو لبنان خارج خواهد شد. (از جمله منطقه شابا)

۸- ترتیبات مشخص صلح آمیزی در موافقتنامه های بین کشورها اتخاذ خواهد شد که پایه قانونی برای همزیستی مسالمت آمیز و عدم مداخله يك کشور در امور داخلی کشور دیگر را تشکیل خواهد داد. طرفین باید شرایط مربوط به وضعیت جنگی را لغو کنند و به تمامیت ارضی و حاکمیت تمام کشورهای منطقه، منجمله کشور اسرائیل و کشور مستقل فلسطین و حق آنها به حیات در درون مرزهای مشخص و ایمن، بدون تهدید و بدون استفاده از زور، احترام بگذارند.

۹- خلع سلاح منطقه از سلاحهای هسته ای و همه گونه سلاح های کشتار جمعی - شیمیایی و بیولوژیکی. اسرائیل به کنوانسیون بین المللی برای عدم توسعه سلاحهای هسته ای خواهد پیوست.

به دلیل اثرات سالهای دراز درگیری و جنگ و عدم اعتماد، ضمانت سازمان ملل برای اجرای موافقتنامه ها مفید خواهد بود.

حزب کمونیست اسرائیل بر این گمان است که دولت شارون-پرز که انگیزه ادامه اعمال تاکتیک های اشغال در سراسر اراضی را دارد و دولت بوش که خواهان حمله به عراق است، و مورد حمایت کشورهای ارتجاعی عربی است، سد راه هرگونه پیشرفتی در گفتگوهای صلح می باشند.

حزب کمونیست اسرائیل لازم می داند که حکومت نظامی، به ویران کردن خانه ها، از ریشه در آوردن درختان، به قتل رساندن رهبران و وارد شدن نیروهای نظامی اسرائیل به اراضی فلسطینی باید خاتمه بدهد. شهروندان کلیمی و عرب نباید در مقابل بسته شدن مدارس و درمانگاهها در مناطق اشغالی بر طبق دستور اسرائیل ساکت و بی تفاوت بنشینند.

## ادامه ارتجاع حاکم و "کندن گور اصلاحات"

را خیره نکرده بود؟ فاصله او تا دیکتاتوری، مگر چند قدم بود؟ چه شد که این منتخب ملت، فجیع ترین جنایتها را در تاریخ به نام خود یادگار گذاشت؟

ارزیابی سرمقاله نویس ارگان ارتجاع از چند منظر قابل توجه و اهمیت است. نخست آنکه فاصله میان جناح های "خودی" حاکمیت تا به آنجا پیش رفته است که به گمان جناح حاکم، مدافعان اصلاحات و از خاتمی و طرفداران او از دید حضرات شرایطی مشابه بنی صدر دارند و لابد برنامه "عزل" و سرکوب خشن و خونین آنان نیز تهیه و در صورت لزوم آماده اجرا است.

نکته دیگر اینکه از دید مهاجری و هم فکران او تقدیم لایحه اختیارات رئیس جمهوری گذشتن از خطوط قرمزی است که سال ها پیش از این عسگر اولادی درباره آن به اصلاح طلبان اولتیماتوم داده بود. ما قبلاً هم اشاره کرده بودیم که از دید مستبدان حاکم هرگونه تغییری در توازن قدرت در حاکمیت و ساختار حکومت مداری در رژیم و ولایت فقیه و یا به عبارت روشن تر هرگونه تلاشی برای مهار زدن بر استبداد عریان و خشن ولایتی که در آن يك فرد می تواند در کمال خودسری تمام ارگان های منتخب مردم را با يك حکم حکومتی بی ارزش و اعتبار اعلام کند و در صورت لزوم به نیروهای مسلح و نظامی زیر فرمان مستقیم خود فرمان "منکوب کنید" و "سرکوب کنید" را صادر کند. اگر قرار است کسی را با هتیلر و یا دیگر دیکتاتورهای تاریخ مقایسه کرد، نمونه روشن و انکار ناپذیر آن نه رئیس جمهور منتخب مردم بلکه ولی فقیه رژیم است که بدون توجه به خواست میلیون ها ایرانی کشور را به سمت تخریب اجتماعی و اقتصادی رانده است و امروز نیز بر همه این سیاست های رسوا و شکست خورده و خصوصاً بر ادامه دیکتاتوری مطلق و فردی خود و همراهانش پا فشاری می کند.

نکته دیگر در افاضات سرمقاله نویس کیهان بیان روشن آرزوهای چندین ساله "کفن و دفن" اصلاحات و پایان "غایله بی" است که این چنین خواب راحت حضرات را پریشان کرده است. البته پیش بینی "مرگ اصلاحات" کشف جدیدی نیست تاریخ اندیشان حاکم مدتهاست روند اصلاحات را پایان یافته اعلام کرده اند و به همه طرفداران اصلاحات نصیحت کرده اند که "واقعیات روز" را بپذیرند. ولی راستی این واقعیات کدامند؟ اگر مرتجعان حاکم به راستی اعتقاد دارند که توانسته اند روند اصلاحات را با شکست روبه رو کنند این همه تلاش تبلیغاتی و سرکوبگرانه برای درهم شکستن هر حرکت کوچکی را چگونه توضیح می دهند؟ اگر خواست اصلاحات پایه های عمیق اجتماعی و توده ای ندارد چرا سخنگویان ریز و درشت ارتجاع شبانه روز فریاد و اسلاما و "تهاجم فرهنگی" سر داده اند و نسبت به خطرات عظیمی که "نظام" و "اسلام" را تهدید می کند دایماً هشدار می دهند. واقعیات سرسخت جامعه ما بر خلاف آرزوهای خام سرمقاله نویس روزنامه کیهان از ادامه روند رو به رشد خواست آمرانه میلیون ها هم وطن ما در دست یابی به تغییرات دموکراتیک و آزادی های سیاسی و اجتماعی حکایت دارد. خواست اصلاحات بنیادین، دموکراتیک و پایدار بخش جدایی ناپذیری از مبارزه وسیع توده ها در سال های اخیر بوده است که با فراز و نشیب، با سرعت و یا کندی همچنان به حرکت خود ادامه می دهد. نمی توان خواست میلیون ها ایرانی را دایر بر استقرار يك حکومت ملی و دموکراتیک متکی بر آرای مردم به گور سپرد. نمی توان خواست میلیون ها ایرانی در زمینه پایان دادن به رژیم استبدادی مطلق ولایت فقیه و حرکت به سمت استقرار عدالت اجتماعی و پایان دادن به ظلم و ستم طبقاتی در جامعه ما را "کفن و دفن" کرد! خواست و روند اصلاحات، همان طوری که ما بارها به آن اشاره کرده ایم نه به يك فرد و نه به يك گروه وابسته است که با خارج شدن آنها از صحنه این روند نیز پایان یابد.

در شش سال گذشته اکثریت عظیم مردم ما با پیگیری و دلیری تاریخی از هر فرصتی برای اعلام خواست خود در زمینه حرکت به سمت استقرار دموکراسی و پایان دادن به دیکتاتوری فردی استفاده کرده اند. این تمایل و خواست همچنان نیرومند و شکست ناپذیر در درون جامعه ما حضور دارد. بررغم همه مماشات ها، تسلیم طلبی ها و بی عملی اصلاح طلبان حکومتی، هر آنگاه که لازم بوده است این نیروی اجتماعی در صحنه های گوناگون نبرد حضور یافته و انزجار و تنفر عمیق خود را از ادامه رژیم استبدادی ولایت فقیه اعلام کرده است. اگر مرتجعان حاکم کوچکترین اعتقادی به تبلیغات خود دارند مراجعه به نظر و رای مردم را بیازمایند تا روشن شود که روند اصلاحات است که باید کفن و دفن شود یا رژیم ضد مردمی و استبدادی ولایت فقیه.

مبارزه برای ادامه و بسط روند اصلاحات در جامعه ما با افت و خیز زیاد ادامه خواهد یافت. نیروهای مردمی و مترقی می توانند با تشدید تلاش و سازمان دهی وسیع توده ها و اتحاد عمل بر سر برنامه مشترک مبارزاتی حلقه محاصره را بر ارتجاع را تنگ تر کنند و راه را برای حرکت به سمت تحولات بنیادین بگشایند.

## ادامه پیشنهاد صلح جمهوری دموکراتیک خلق کره ...

برای گفتگو در این رابطه با رهبران ژاپن و کره جنوبی در حاشیه گردهمایی کشور های کناره پاسیفیک که در مکزیکو برگزار می شود، آماده می شد. جرج بوش که کمتر از يك سال قبل کره شمالی را در کنار عراق و ایران به عنوان "محور شیطانی" معرفی کرده بود، گفت که او معتقد است که خلع سلاح کره شمالی می تواند در کمال آرامش صورت گیرد. اما پیونگ یانگ درخواست کنار گذاشتن برنامه هسته ای اش قبل از هرگونه مذاکره را رد نمود. بیانیه وزارت خارجه "ج. د. خ. ک." در این باره گفت: آمریکا و پیروانش اعلام می کنند که مذاکرات باید بعد از اینکه "ج. د. خ. ک." (کره شمالی) سلاح هایش را به زمین گذاشت صورت گیرد. این منطقی شدیداً غیرعادی است.

بیانیه وزارت خارجه کره شمالی متذکر شد که "ج. د. خ. ک." چگونه می تواند با دست های خالی در مقابل يك تهاجم احتمالی دفاع کند؟ خواسته آن ها تفاوت چندانی با این ندارد که "ج. د. خ. ک." تسلیم فشار بشود، که به معنی مرگ است. " در هفته اول آبان ماه واشنگتن گفت که با متحدان خود قبل از اینکه در رابطه با آینده موافقتنامه ۱۹۹۴ تصمیم بگیرد، مشورت خواهد کرد. برطبق این موافقتنامه ایالات متحده به "ج. د. خ. ک." مواد سوختی داده و به آن در رابطه با ساختمان نیروگاه برق یاری می کند به شرطی که این کشور برنامه تسلیحاتی اتمی خود را کنار بگذارد.

## ادامه بحران اقتصادی در جهان!

سازمان ملل متحد در اواسط مهرماه با انتشار آمار اقتصادی خود و پیش بینی میزان رشد اقتصادی در سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ اعلام کرد که امید چندانی به "شکوفایی" مجدد اقتصاد جهان نمی رود.

بنا بر این آمار، افزایش تولید ناخالص جهان در سال ۲۰۰۲ فقط ۱،۷ درصد خواهد بود و این نرخ در سال ۲۰۰۳ نیز کمتر از ۳ درصد خواهد بود. گزارش سازمان ملل مطرح کرد که کشورهای آمریکای لاتین لطمه های اقتصادی شدیدتری را متحمل خواهند شد و انتظار می رود که رشد ناخالص ملی آنها به میزان ۰/۹ درصد کاهش بیابد. بر اساس یافته های اطلاعاتی پروژه لینک (LINK) (سازمان بین المللی تحقیقاتی غیر دولتی که با سازمان ملل همکاری دارد) که در جریان یک جلسه لینک در شهر بولونیا، ایتالیا مطرح شد، پیش بینی اقتصادی جهان که از سوی سازمان ملل منتشر می شود، گزارش می کند که تا اواسط سال ۲۰۰۳ دورنمای روشنی برای شکوفایی مجدد اقتصاد جهان و خروج از بحران کنونی وجود ندارد. روند بهبود اقتصاد نه تنها کندتر از پیش بینی هایی است که قبلاً شده بود، بلکه برای نجات از بحران به شرایط جدیدی نیاز دارد که چگونگی به وجود آمدن آن ها نیز نامشخص است. یکی از این شرایط نامشخص تشدید بحران در منطقه خاور میانه است که به عنوان یک شانس برای شروع روند بهبودی اقتصاد جهان در نظر گرفته شده است. در شش ماه گذشته فاکتورهای منفی دیگری نیز مطرح شده که شرایط وخیم تری را بوجود آورده است. تشنج ژئوپولیتیک در منطقه خلیج فارس، که باعث افزایش قیمت نفت بیش از ۵۰ درصد، در فاصله بین ژانویه و سپتامبر امسال، شده است. اختلاس های بزرگ مالی در شرکت های بزرگ فراملیتی و کلاه برداری ها در سطح دولتی بویژه در کشورهای پیشرفته صنعتی، و خیم تر شدن شرایط اقتصادی در آمریکای لاتین که تا حد ورشکستگی اقتصادی آنها پیش رفت، از حوادث مهمی هستند که در این روند تاثیر داشتند. کشورهای رو به رشد نیز همچنان درگیر رویارویی با شرایط حاکم بر اقتصاد جهان و از جمله ضعف میزان تقاضای خارجی، قیمت های نازل برای مواد خام غیر نفتی و کاهش سرمایه گذاری های خارجی در این کشورها می باشند.

بنا به پیش بینی اخیر "لینک"، بحران کنونی اقتصادی در جهان فقط به شرطی تخفیف و یا پایان خواهد یافت که اقتصاد ایالات متحده که علیرغم مشکلات کنونی همچنان نقش یگانه و برجسته ای دارد، بتواند بر بحران خود فایق آید. امید به بهبود اقتصادی در ژاپن و اروپای غربی نیز به میزان وسیعی بستگی به سطح تقاضای خارجی دارد.

به هر حال، در مرحله کنونی پیش بینی می شود که رشد اقتصادی در هر مرحله گذار از سر می گذرانند در سال ۲۰۰۲ برابر با ۳/۴ درصد و در سال ۲۰۰۳ برابر با ۴ درصد باشد و همچنین پیش بینی می شود که این روند شامل اقتصاد در حال توسعه آسیایی نیز بشود. در رابطه با چین پیش بینی می شود که در سال جاری و سال آینده رشد اقتصادی این کشور از مرز ۷ درصد عبور کند. بنا به کارشناسان، علت این موفقیت، افزایش تقاضای داخلی و مبادلات تجاری بین المللی است، فاکتورهایی که مانع اثرگذاری بحران اقتصادی ای که سایر کشورها را فراگرفته است بر چین می شود.

در کشورهای آفریقایی که رشد آنها در سال جاری تنها برابر با ۲/۷ درصد بود، انتظار می رود که در سال ۲۰۰۳ رشدی برابر با ۴ درصد داشته

باشند. دلیل واقعی این رشد نیز اساساً تقویت عوامل اقتصادی داخلی ذکر شده است.

رشد اقتصادی در غرب آسیا به دلیل تنش های موجود و اینکه چه تغییری در بهای نفت به وجود خواهد آمد، نامطمئن است. اما بزرگترین کاهش تولید ناخالص ملی در کشورهای آمریکای لاتین خواهد بود که در آن آرژانتین با کاهش رشدی به میزان ۱۲ درصد (در سال ۲۰۰۲) روبرو خواهد بود. برزیل دیگر کشور آمریکای لاتین است که به دلیل بی ثباتی سیاسی، بدهی های عظیم خارجی و بی ثباتی اقتصادی آرژانتین در همسایگی اش، دچار این کاهش رشد خواهد شد. پاراگوئه و اروگوئه نیز با بحرانی عمیق روبرو هستند. اقتصاد جهان سرمایه داری همچنان در بحران عمیق و طولانی خود دست و پا می زند و سیاست گذاران این سیستم تاریخاً رو به زوال نیز به رغم تلاش فراوان و ادعاهای بسیار، هنوز نتوانسته اند راه حل مناسبی برای برون رفت از آن بیابند. رهبران آمریکا تلاش دارند تا با تشدید تشنج در جهان، بویژه در خاور میانه، و جنگ افروزی و نظامی گری، علاوه بر تحمیل سیاست هایی در جهت کسب هژمونی جهانی، صنایع نظامی خود را به فعالیت بیشتری بیاندازند و اقتصاد عظیم این کشور را از بحران خارج کنند. اما علیرغم چنین فعالیت هایی، سیستم سرمایه داری با گذشت هر چه بیشتر زمان ثابت می کند که هیچگونه پتانسیل واقعی برای حل مشکلات جهان در ابتدای هزاره سوم را ندارد و تنها ارمغان آن در مقام سیستم حاکم در جهان می تواند فقر، بدبختی و فلاکت و نابسامانی برای توده های میلیونی در پنج قاره جهان باشد.

## پیشنهاد صلح جمهوری دموکراتیک خلق کره

جمهوری دموکراتیک خلق کره "ج. د. خ. ک." در روز ۵ آبان ماه اعلام کرد که حاضر است که در صورتی که ایالات متحده به یک قرارداد عدم تجاوز کردن بنهد، نگرانی های واشنگتن را در رابطه با برنامه سلاح های هسته ای مورد بررسی قرار دهد.

ایالات متحده با اتخاذ موضع سازش ناپذیری که از نظر دیپلماتیک قویاً بی معنی بنظر می آید، تاکید کرده است که فقط بعد از اینکه "ج. د. خ. ک." به خلع سلاح راضی شود، مذاکره را قبول خواهد کرد. جمهوری خلق کره تمایل دارد که در صورتی که ایالات متحده حاکمیت این کشور را به رسمیت بشناسد و در مسیر توسعه اقتصادی آن مانع ایجاد نکند، با واشنگتن در رابطه با مسائل عمده ای نظیر تسلیحات اتمی به توافق برسد.

اما مقام های رسمی دولت "ج. د. خ. ک." خواسته ایالات متحده مبنی بر متوقف کردن فوری برنامه هسته ای کشور را رد نمود. این کامل ترین پاسخ از طرف پیونگ یانگ به بحرانی بود که به دلیل بیانیه ایالات متحده در هفته قبل از آن مبنی بر اینکه "ج. د. خ. ک." در نقض پیمان ۱۹۹۴ به توسعه یک برنامه سری سلاح های هسته ای اعتراف کرده است، ایجاد شده بود.

پیشنهاد پیونگ یانگ در زمانی مطرح شد که پرزیدنت جرج بوش

## گزارشی از بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اسرائیل

هیچ راه حل نظامی برای مسأله خاورمیانه وجود ندارد.

ایالات متحده از طریق تقویت محور "عربستان سعودی، مصر، اردن و اسرائیل" از یک سو و از سوی دیگر محور "ترکیه و اسرائیل" در صدد کنترل کامل تحولات در خاورمیانه است.

کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اسرائیل در فاصله روزهای ۱۸ تا ۲۰ مهرماه (۱۰-۱۲ اکتبر) انجام شد. این کنگره با توجه به وضعیت بسیار حساس منطقه خاورمیانه و سیاستها و مواضع شدیداً ارتجاعی و خونبار دولت اسرائیل و وظایفی که کنگره حزب برادر در رابطه با باز تعریف دقیق برنامه مبارزاتی آن در شرایط کنونی جهان و منطقه در مقابل خود داشت، اهمیت فراوانی پیدا کرده بود. این کنگره همچنین بدلیل نقش برجسته ای که حزب کمونیست اسرائیل در جنبش سندیکایی کشور و نیز جنبش "صلح هم اکنون" ایفاء می کند، اهمیت فراوانی به خود گرفته بود. حزب کمونیست و سازمان چتری آن در جنبش اجتماعی دارای ۵ نماینده در پارلمان اسرائیل اند و از اعتبار بالایی در محافل زحمتکشان و بخصوص شهروندان عرب-اسرائیلی برخوردارند. نیروهای امنیتی و محافل ارتجاعی اسرائیل در سال های اخیر و در فاصله بین دو کنگره ۲۳ و ۲۴ حزب برادریا هدف قرار دادن وحدت حزب کوشش هایی را برای ایجاد تفرقه و انشقاق در آن صورت داده بودند. کنگره ۲۴ حزب کمونیست های اسرائیل ضمن تاکید بر مارکسیسم-لنینیسم به مثابه ایدئولوژی حزب، تجزیه و تحلیل همه جانبه یی را در جهت تقویت تاثیر بخشی کارزار حزب بر تحولات کشور با موفقیت به سامان رسانید.

در پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنگره حزب کمونیست اسرائیل پس از تاکید بر روابط مستحکم بین دو حزب و آرزوی پیروزی رفقای اسرائیلی در مبارزه دشوار خود آمده است: "ما از شرایط پیچیده داخلی و بین المللی که مبارزه شما در آن انجام می گیرد، آگاه هستیم... حزب توده ایران ارزش والائی برای مبارزه اصولی و بغرض حزب کمونیست اسرائیل بر ضد سیاست های ارتجاعی، شوونیستی و خطرناک دولت اسرائیل و در حمایت از مبارزه مردم فلسطین برای حقوق اساسی و دموکراتیک قائل می باشد."

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنگره ۲۴ حزب برادر پس از ارائه تحلیلی در رابطه با تحولات بین المللی در دوره پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر به ساختمان های مرکز تجارت جهانی اضافه می کند: "سیاست ها و عملکرد دولت اسرائیل با طرح های استراتژیک دولت ایالات متحده هماهنگ شده اند. هدف اصلی اینست که مانع موفقیت جنبش های مردمی برای دموکراتیزه کردن حیات سیاسی در خاورمیانه و در طلب خودمختاری و استقلال برای خلق فلسطین بشوند."

"بیانیه ها و موضع گیری های تحریک آمیز اخیر دولت ایالات متحده در رابطه با عراق شرایط بسیار خطرناکی در منطقه ایجاد کرده اند. کوشش های آمریکا متوجه تغییر نقشه سیاسی منطقه بوده و اثرات عمده ای بر تحولات سیاسی در ایران، سوریه و دیگر کشور های منطقه خواهد داشت."

کنگره ۲۴ حزب کمونیست اسرائیل پس از ۳ روز بحث همه جانبه، گزارش سیاسی کمیته مرکزی و اسناد برنامه یی و برنامه عمل حزب را به تصویب رساند و ارگان های رهبری حزب را انتخاب کرد.

در ادامه ترجمه بخشی از سند تحلیلی مصوب کنگره ۲۴ حزب برادر در رابطه با منطقه خاورمیانه و مبارزه مردم فلسطین برای اطلاع خوانندگان "نامه مردم" ارائه می شود.

### دولت بوش، حملات سپتامبر، و خاورمیانه

جنگی که دولت بوش در افغانستان شروع کرد اولین قدم برای تحقق برنامه استراتژیک ایالات متحده، یعنی استفاده از رخداد های سپتامبر ۲۰۰۱ برای تقویت هژمونی آن در جهان، به خصوص در خاورمیانه و نواحی اطراف دریای خزر بود که هردو دارای منابع غنی نفتی هستند.

در توافق و هماهنگی کامل با دولت شارون-پرز، دولت بوش روابط دیپلماتیک و نظامی-اقتصادی خود را با رژیم های عربی محکمتر کرده است. هدف از این حرکت و انمود ساختن یکی بودن جنگ بر ضد خلق فلسطین با جنگ علیه تروریسم و ترسیم آن در انظار مردم جهان نه به مثابه تداوم سلطه جویی بلکه به عنوان بخشی از کارزار جهانی ایالات متحده بر ضد تروریسم است. در این چهارچوب بوش، شارون و پیروانشان دولت فلسطین را برابر با یک دولت حامی تروریسمی که نقش یاسر عرفات در آن همانند اسامه بن لادن است، توصیف می کنند.

از زمان حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بوش انرژی خود را در جهت حصول ائتلافی از کشورهای منطقه که از سیاست های او تبعیت می کنند، صرف کرده است. برای این منظور او روابط ایالات متحده با عربستان سعودی، مصر و اردن را تنگاتنگ کرد تا بدان جا که این کشور ها نیز به نوبه خود از بوش در رابطه با تجاوز و تهاجم اسرائیل بر ضد مردم فلسطین حمایت کردند. این یک واقعیت است که تصمیمات جامعه عرب در رابطه با درگیری میان اسرائیل و مردم فلسطین و ابتکار عربستان سعودی که در گردهمایی بیروت مورد تصویب قرار گرفت، عملاً فقط روی کاغذ باقی مانده بدون اینکه هیچ کشور عربی در جهت اجرای آن ها قدمی عملی بردارد. دولت بوش هماهنگ کردن فعالیت هایی را در خاورمیانه در بین محور تشکیل شده از عربستان سعودی، مصر و اردن با اسرائیل پیش برده است. ایالات متحده همچنین روابط میان ترکیه و اسرائیل را تقویت کرده است. این دو محور حضور نظامی مستقیم و غیرمستقیم آمریکا را در چهارچوب جنگی بر ضد عراق تقویت می کنند. دو محور مذکور همچنین منافع اقتصادی کمپانی های امریکائی، بخصوص کمپانی های نفتی را در خاورمیانه تضمین می کنند.

جنگ بر ضد عراق بدنبال یک محاصره اقتصادی طولانی و تجاوز پیگیر حريم فضائی عراق توسط هواپیماهای امریکائی مطرح می شود. این جنگ هیچ ارتباط واقعی با کاهش خطر جنگ هسته ای در این منطقه ندارد. این يك واقعیت است که دولت بوش پیشنهاد اولیه عراق مبنی بر اجازه دادن آن به هیئت بازرسی سازمان ملل به بازدید و کنترل قابلیت های هسته ای و سلاح های کشتار جمعی این کشور را رد کرده است. ضرورت دارد که مردم اسرائیل و همچنین بقیه جهان را در مورد خطر استفاده ایالات متحده از سلاح های هسته ای تاکتیکی آگاه کرد. ایالات متحده همزمان با اعلام امکان استفاده از سلاح های هسته ای و حمایت از اسرائیل، اولین کشور دارای قدرت هسته ای در خاورمیانه، استدلال می کند که هدفش از حمله به عراق جلوگیری از بدست آوردن قابلیت هسته ای توسط این کشور است.

### به سوی يك صلح عادلانه و پایدار

جنبش های صلح ترقی خواهانه در خاورمیانه و در کل جهان، که خواهان ایجاد يك کشور مستقل فلسطینی در جوار کشور اسرائیل، با اورشلیم شرقی به مثابه پایتخت فلسطین، و در جهت حل مشکل پناهندگان فلسطینی بر طبق مصوبات قطعنامه های مربوط سازمان ملل، هستند مدت هاست که مبارزه پیگیر خود را بر ضد اشغال و برای تامین صلحی عادلانه و پایدار میان فلسطین و اسرائیل ادامه می دهند.

اشغال اراضی فلسطینی توسط اسرائیل باید از طرف دوستان صلح و نیروهای دموکراتیک جهان به مثابه يك فاجعه برای مردم اسرائیل و فلسطین، بطور

ادامه در صفحه ۵

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 646**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

29 October 2002

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک